زندگی سلام
ضمیمه روزنامه خراسان
دوشنبه ۲۴ دی ۱۳۹۷ • شماره ۱۲۳۵

حدیث روز

امام عسکری(ع): آن که از مردم پروا نکند، از خدا نیز پروا نمی کند.
بحار الأنوار

ذکر روز دوشنبه
صد مرتبه «یا قاضی الحاجات»

در محضر بزرگان

دایم استغفار کنید

مرحوم آیت ا... بهجت فرموده اند: برای برکت یافتن زندگی، با اعتقاد کامل و التزام صادقانه نسبت به لوازمش، دایم استغفار کنید. خسته نشوید و به طور مکرر غیر ضروریات و غیر واجبات اوقات خود را به آن اختصاص دهید.
برگرفته از «حدیث دلتنگی»

ضرب المثل ملل

* با صبر و بردباری برگ توت تبدیل به پیراهن ابریشم می شود.
چینی
* کره زمین متعلق به افراد دارای پشتکار است. **آلمانی**
* هر کس از صف اول کنار رفت، در صف دوم می درخشد.
فرانسوی
* تاسف برای گذشته به این می ماند که انسان دنبال باد بدود.
روسی
* اگر کسی بخواهد از حال و گذشته باخبر باشد، باید پنج قفسه کتاب بخواند. **چینی**
* شخص قوی و آبشار هر دو راه خود را باز می کنند. **انگلیسی**
* احتیاج همه چیز را تغییر می دهد. **بلغارستانی**
برگرفته از «رهنمون»
تالیف غلامحسین ذوالفقاری

بریده کتاب

سرعت گذر زندگی

زمان هر چقدر تهی تر باشد، سریع تر می گذرد. زندگی های بی معنا در برابر چشم انسان به سرعت می گذرند. مثل قطاری که هرگز در ایستگاه مورد نظر آدم توقف نمی کند.
برگرفته از «سایه باد»
اثر کارلوس لوئیس سافون

قرار مدار

اندکی صبر

رابطه

علی جلالی مهر

فصل این رابطه سرد است
ولی پنجره ام
به هوای رخ خورشید تو
باز است هنوز

همشهری سلام!
پذیرای داستانک، ترسانک، سوتی، شعر، طرح، عکس و ایده‌های بامزه و جالب شماست.
مطالب خود را در پیام‌رسان تلگرام به این شماره بفرستید:
۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶

دنیا به روایت تصویر

ای پی اِی| نمایشگاه بین المللی هنرهای یخی با ۱۲۰ هزار متر مکعب یخ، چین

شین هوا| گله داری اسب های خود را در علفزارهای پوشیده از برف می تازاند، مغولستان

گتی ایمیج| دسته کردن بامبوهای معطر برای بخور دادن، ویتنام

سه نقطه

با خانمان

دور همی هم مدرسه‌ای ها

مهدیسا صفری خواه | طنزپرداز

قرار بود دور همی های سال های بعد از مدرسه را دوست داشته باشم، اما نشد. دوست داشتم همانی باشم که در همه دور همی ها مرکز ثقل است. زنی با یک شغل ثابت، دو تا بچه، یک همسر که دوستش دارد و خانه ای بزرگ. این باعث می شود که شما منبع الهام بقیه باشید، اما به جای این ها زنی شدم که برای دور همی دیر می رسید، بچه اش را همراه خود می برد و در مواجهه با بقیه حرف نمی زد، فقط با سر تایید شان می کرد.
همه چیز از همان آخرین امتحان شروع شد. جو تماشای فیلم «ضیافت» حسابی گرفته بودمان. قرارمان را گذاشتیم برای پانزده سال بعد در ۳۳ سالگی. دیگر در زندگی جا افتاده بودیم. معلوم بود چه کاره هستیم و تقریبا به یک ثبات در هویت و شخصیت اجتماعی هم رسیده بودیم. حساب همه جا را کرده بودیم جز فضای مجازی. همه این سال ها دلم می خواست غافلگیر شوم. مطمئن باشم که مریم شاگرد اول کلاس، شریف قبول نشده و مژگان دو تا دختر خواهد داشت. اما اینستاگرام نگذاشت غافلگیر شوم. حتی وقتی فهمیدم مریم به جای ریاضی، کنکور تجربی شرکت کرده و حالا جراح شده هم غافلگیر نشدم چون همه این ۵ سال آخر دزدکی صفحه مجازی اش را دید می زدم. می دانستم مژگان دو تا دختر دارد، در اینستاگرام تبلیغ می کند و با بچه هایش داب اسمش می سازد و خرج زندگی اش را در می آورد. حتی وقتی فهمیدم طلاق گرفته هم غافلگیر نشدم چون همه این ها را از صفحه مجازی اش می دانستم. برای همین در اولین دور همی بچه های دبیرستان شدم کسی که حرف نمی زند، کسی که آمار نمی دهد، کسی که خودش را می گیرد. واقعیت این بود که من ۵ سال از آن ها جلوتر بودم. شوکه شدن ها و شنیدن خاطرات شان را قبلاً مزه کرده بودم. اصلا برای همین دخترم را همراه برده بودم که خودم را با او سرگرم کنم و به داستان های دروغ گوش نکنم. قرارهای مدرسه می توانست یک ژانر هیجان انگیز باشد، اگر همه این سال ها دزدکی پروفایل بچه ها را دید نمی زدم و با یک نسخه جدید از آن ها روبه رو می شدم. حیف که نشد و تبدیل شد به جایی برای عکس گرفتن و تصویر آدم هایی که می خندند اما می دانی زندگی کِی و کجا حالشان را گرفته است.

مارپیچ (سختی ۶۰٪)

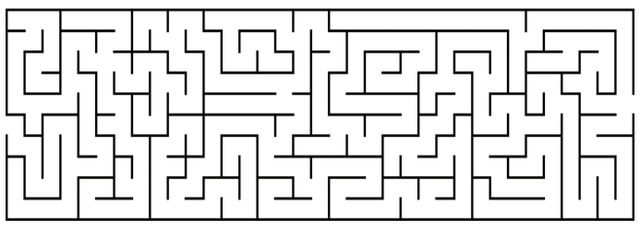

دیدنی ها

عکس های جذاب از ورودی خانه ها

«بلافاکس ول» با پیاده روی و گذر از محله ها و کوچه و پس کوچه های لندن مجموعه عکس های زیبا و رنگی با نام «درهای لندن» به ثبت رسانده است. با این که لندن به دلیل آب و هوای مخصوصش گرفته به نظر می رسد اما این عکاس با تصاویر رنگی و جذابی که به ثبت رسانده، خلاف آن را ثابت کرده است. هر ورودی خانه نشان دهنده شخصیت و سلیقه افرادی است که در آن کار یا زندگی می کنند. بعضی از ورودی ها به دلیل استفاده به جا از تزیینات، شیشه های رنگی، چراغ های آویز، کلون و کوبه های منحصر به فرد، گل آرایی و فضای سبز، بیشتر شبیه یک تابلوی نقاشی هستند تا واقعیت. منبع: myModern

تاپخند

- حل مسائل ریاضی به اندازه کافی سخت و نفس گیر هست، اما فکر این که چطور یه نفر اولین بار خودش گفته بذار یه فرمول بنویسم حجم هذلولی این جسم رو حساب کنم، واقعا عذاب آوره!
- شما هم تایکی دو روز پیش فکر می کردین «موخوره» یه حشره است که موها رو می خوره یا فقط من گیج می زنم؟!
- واقعا فکر می کنی وقتی با شماره خودت زنگ می زنی جواب نمیدم و همون لحظه دوباره با یک شماره غریبه زنگ بزنی، با خودم میگم پسر جواب بده این شماره خبر برنده شدنت تو قرعه کشی بانک رو می خواد بهت بده؟!
- قدیم ها فقط داخل تونل جیغ می زدیم، ولی الان اگه تونل ها پولی بشن از همون نرسیده به تونل آدم باید جیغ بزنه تا چند کیلومتر بعدش!
- صبح ها کورتانیدزه گرجی هم قادر به کندن من از تشک نیست!
- نمی دونم چرا تو امتحان اگه از ۸ تا سوال ۵ تاش رو هم جواب بدی باز مجموع نمره اش از اون سه تا که جواب ندادی کمتر میشه؟!
- دارم به این فکر می کنم وقتی یک جزوه رو میشه تویک روز خوند، حتما میشه تو یه روز هم درسش داد... پس ما چرا یه ترم می ریم دانشگاه؟!

دور دنیا

راننده اتوبوس مهربان

سی ان ان- این روزها ویدئویی در سایت های خبری مورد تحسین بینندگان قرار گرفته است که نشان می دهد راننده اتوبوسی یک کودک بی پناه را نجات می دهد. خانم «ایرنا ایویک» راننده اتوبوس در شهر میلواکی آمریکا، ساعت هشت صبح در حالی که هوا زیر صفر است، کودکی پابرهنه و با کمترین لباس را در حال دویدن در مسیر هر روزه خود می بیند. راننده پیاده می شود و کودک را می گیرد و سوار اتوبوس می کند و سپس به پلیس زنگ می زند. یکی از مسافران پالتوی خود را در می آورد تا کودک یخ زده را گرم کند. ظاهرا مادر کودک، او را در خیابان رها کرده است. به گفته پلیس بعد از شناسایی مادرش متوجه شدند که وی دچار اختلال روانی است. در نهایت کودک به پدرش سپرده شد.

آزمایش آنلاین شیر جنگل

یورونیوز- شیر هفت ساله آفریقایی «هوبرت»، در ژوئیه سال ۲۰۱۱ در باغ وحش میلواکی به دنیا آمد و در اواخر سال ۲۰۱۲ به باغ وحش اوکلاهما سیتی منتقل شد. این شیر که در این شهر دوستداران زیادی دارد، این روزها تحت آزمایش کامل سالانه تیم پزشکی قرار گرفته است. پزشکان برای معاینه بهداشت دهان و دندان او را کاملا بیهوش کردند. به گفته سرپرست باغ وحش با توجه به علاقه شهروندان به این شیر نتیجه آزمایش های پزشکی اش به طور عمومی اطلاع رسانی خواهد شد.

نشر اکاذیب

خانواده آدم برفی + عکس

تصویری که این روزها در فضای مجازی منتشر شده است، نشان می دهد یک گردشگر در کشور روسیه توانسته است اجتماع آدم برفی ها را کشف کند. به گفته دانشمندان آدم برفی شناس، این عکس که به طور اتفاقی از حاشیه یکی از جاده های ییلاقی کراسنویارسک در سیبری گرفته شده، نشان دهنده آن است که بر خلاف تصور رایج که گمان برده می شد آدم برفی ها به صورت تکی و مجرد زندگی می کنند، آن ها نیز دارای خانه و خانواده هستند و انسان ها با خودخواهی و برای لذت خود، آن ها را از اجتماع شان جدا می کنند.

تفأل

دگر به صید حرم تیغ بر مکش زنهار
وز آن که با دل ما کرده ای پشیمان باش
تو شمع انجمنی یکزبان و یکدل شو
خیال و کوشش پروانه بین و خندان باش

دی روزنامه

تلخ و شیرین درس خواندن ما!

علیرضا کاردار | طنزپرداز

این قدر همه جا بحث از امتحانات است، یاد امتحان دادن خودمان افتادم. زمان ما یک چیزی بود به نام امتحان که در پایان هر «ثلث» (آن زمان به هر سه ماه تحصیل یک ثلث می گفتند) از دانش آموزان می گرفتند و بچه ها باید برای آن درس می خواندند! البته پایان ترم دانشگاه هم همین بساط بود. مثل الان نبود که بچه ها حتی نمی دانند مشق شب چیست و اهمیت کنکور و دانشگاه هم عین خیال شان نیست! آن زمان استرسی که بچه ها قبل از امتحان می گرفتند، تقریبا معادل استرسی بود که دانش آموزان و دانشجویان این روزها هنگام دریافت پیامک «شما ۸۰ درصد بسته اینترنتی خود را مصرف کرده اید» می گیرند! برای همین فصل امتحانات آداب و رسومی داشت که تقریبا در نود و نه درصد خانواده ها با اختلاف جزئی برگزار می شد.
مثلا موقع امتحان ها به صورت غریزی و ناخودآگاه مقدار خواب مان اضافه می شد! اگر تا قبل از شروع امتحان ها شب ها ساعت دوازده می خوابیدیم (آن زمان ساعت ۱۲ شب به اندازه ساعت ۴ صبح الان ارج و قرب داشت!)، به محض شروع شدن امتحانات از ساعت ۹ شب چشم مان روی هم می افتاد و صبح ساعت ۹ هم به زور والدین از خواب برمی خاستیم. به همین نسبت خوراک مان هم اضافه می شد. طوری که علاوه بر سه وعده اصلی، چندین وعده فرعی هم به خودمان می رسیدیم و اصلا بدون خوردن تنقلات نمی توانستیم درس بخوانیم. جالب این جا بود که توجهمان به بهداشت فردی و محیط هم دو چندان می شد. مثلا اگر قبل از شروع امتحانات هفته ای یک بار استحمام می کردیم، با شروع امتحان ها حمام رفتن مان به روزی سه بار هم می رسید، بلکه به این بهانه زمان درس خواندن مان هم تعدیل شود! یا حتی اگر در طول سال فقط برای باز کردن دریخچال پا به آشپزخانه می گذاشتیم، موقعی که امتحان داشتیم حاضر بودیم ظروف سه وعده غذایی را هم بشوییم و خانه را هم روزی دو بار جارو و گردگیری کنیم! آن زمان که تلفن هوشمندی در کار نبود و کامپیوتر و اینترنت هم این قدر فراگیر نشده بود، در عوض سعی می کردیم با خواندن کتاب داستان و فیلم دیدن، آمادگی بیشتری برای درس نخواندن پیدا کنیم!
مرحله آخر بعد از این مقدمه چینی ها، درس خواندن بود که آن هم اصولی داشت. اول تعداد صفحات کتاب و جزوه را می شمردیم و بعد تعداد عکس ها و نمودارها و آیا می دانیدها و پاورقی هایی که در امتحان نمی آمد را از آن کم می کردیم. سپس حساب می کردیم خواندن هر صفحه چقدر طول می کشد و زمان بندی می کردیم تا ده دقیقه قبل از شروع امتحان و حتی داخل اتوبوس و تاکسی و سرویس بتوانیم دورمان را تمام کنیم!

پاسخ مسابقه این کیه؟

بانوی عمارت رکورد شکست

سلام. این هم کاریکاتور کامل شخصیت مسابقه پیش، خانم مریم مومن، بازیگر سریال بانوی عمارت که خیلی طرفدار پیدا کرده. این بار پاسخ های درست خیلی زیاد بود، یا به دلیل محبوبیت چهره بود یا ما خیلی راهنمایی کردیم! از خواننده های روزنامه و مخاطبان کانال «زندگی سلام»، بیش از ۲۰۰ نفر اسم ایشون رو فرستادن که ما پیام های «بانوی عمارت» و «فخرالزمان» رو هم قبول کردیم! از بین شرکت کننده ها خانم هیلا فالیزیان حقیقی به عنوان برنده انتخاب شدن. ایشون که فرهنگی بازنشسته هستن، دستی هم بر نوشتن و روزنامه نگاری دارن و خواننده دایمی روزنامه هستن. جالبه که این روزها تولدشون هم هست و این برنده شدن رو به عنوان کادوی تولد از طرف زندگی سلام قبول کردن! بهشون تبریک می گیم و به امید خدا با مسابقه بعدی، عکس و کاریکاتور رو می تونید همین جا ببینید. خوش باشید.

ما و شما

*بهاران می شوی سرسبز و چالاک
به تابستان تو داری جامه تاک
خزان هم می شوی همرنگ پاییز
ولی دارم سوالی از تو ای پاک
چرا هرگز لباس برفی ات را
نمی پوشی زمستان ها تو ای خاک؟
علی گیاهی

*آق کمال؛ خواب جناب عالی رو دیدم، تعبیرش چیه؟!
آق کمال: فکر کنم چند تا تعبیر دره، یا به زودی مثل موکچل مری، یا بی پول، یا چاق، یا داماد سرخانه خسرت! دیگه خودت دانی!

*چرا دیگه ترسانک چاپ نمی کنید؟
ما و شما: حق با شماست، به زودی!

*دختر خواهر عزیزم مهدیه جان، پیشاپیش تولدت را تبریک میگم. دوستت دارم. **خاله عذرا**

*در قسمت آموزش شعبده بازی نوشتید نوک باروت دار! کبریت گوگرد داره نه باروت. **امینی**
ما و شما: و باز هم حق با شماست!

*دوست داشتنت بهانه ای بود برای زندگی کردن و اکنون زندگی کردن در حاشیه دوست داشتن توست... **مسعود مجنونپور**